

نویسنده (ها) :

[ملیحه کرباسیان](#)

آخرین بروز رسانی: پنج شنبه ۱۹ دی ۱۳۹۸ [تاریخچه مقاله](#)

دِرْخْتِ آسوریگ، رساله‌ای منظوم، شامل مناظره‌ای مفاخره‌آمیز میان بز و درختِ آسوری (نخل)، و از معدود متنهای غیردینی ایران باستان .

درخت آسوریگ به زبان پهلوی اشکانی یا پارتی است که با پهلوی ساسانی آمیختگی‌هایی پیدا کرده است (تفضلی، ۲۵۷). این منظومه اثری کارآمد در بررسی زندگی اجتماعی روزگار باستان به شمار می‌رود؛ چنان‌که به واسطهٔ این منظومه، از فراورده‌های مختلف دامی و گیاهی متداول در آن روزگار آگاه می‌شویم که ذیل این عناوین قابل ذکرند: خوراک و پوشاک، لوازم زندگی روزمره، ابزارهای جنگی، آلات موسیقی، عطر و قیمت کالاها و طبقات قشرهای اجتماعی (نک: دنبالهٔ مقاله) .

این منظومه از یک مقدمه، گفت‌وگوی دو طرف، و یک خاتمه تشکیل شده است. در مقدمه با ذکر ویژگیهای درخت که در آن سوی شهرستان آسور رُسته، بُنش خشک است و سرش تر، برگش به نی ماند و برش به انگور، زمینه برای گفت‌وگوی دو طرف آماده شده است. در متن اثر، نوع درخت مشخص نیست، اما از روی اوصاف آن استنباط کرده‌اند که نخل باشد (مُدی، (23-36, 79 ff.)). درخت مشخص آغاز می‌کند و حُسنهای خود مانند بلندی، میوه و نیز محصولاتی را که از شاخ و برگش ساخته می‌شود، برمی‌شمارد. بز با تحقیر و دشنام پاسخ می‌دهد و به استناد کاربرد شیر خود در مناسک دین زردشتی بر درخت تفاخر می‌کند. از متن مناظره، خواننده درنمی‌یابد که کدام‌یک از دو طرف پیروز مناظره‌اند، اما شاعر یا راوی بز را پیروز اعلام می‌کند: «بز به پیروزی شد» (بند ۵۴، «درخت ...»، ۲۱۱). این نکته و نیز اینکه بز تقریباً ۳ برابر درخت سخن می‌گوید، حمایت شاعر از بز را نشان می‌دهد. در بخش پایانی مناظره نیز به کسی که این منظومه را بخواند یا بنویسد، دعا، و به دشمنان آن نفرین شده است . در پژوهشهای جدید با بررسی واژگان کهن و نادر پارتی (برای نمونه، نک: بهار، ۱۱۲-۱۱۱) و در برخی موارد احتمالاً مادی، نشان داده شده که اصل این اثر شعری پارتی بوده است (هنینگ، 643).

حاشیه (8؛ با این حال، دربارهٔ ویژگیهای شعری آن اتفاق نظر وجود ندارد (برای دیدگاههای متفاوت در این باره، نک: همو، 641-648؛ لازار، ۳۷۱-۳۹۹).

با توجه به اینکه این منظومه با هدف تقویت حافظه و آموزش، فهرستهایی از کلمات مرتبط با هم را در بر دارد، آن را از زمرهٔ ادبیات اندرزی شمرده‌اند (تفضلی، ۲۵۸؛ قس: پورجوادی، ۸۳-۸۲، که ضمن اشاره به نقش آموزشی بر وجه تفریحی منظومه‌های سروده‌شده به شیوهٔ «زبان حال» تأکید می‌کند). برخی عبارتهای این اثر (از جمله بند ۲۵، درخت ...، ۵۱ (در یادگار زریران (بند ۹۳) هم آمده است (هنینگ، 642-643).

وجود هزوارشهای ساسانی در متن نشان می‌دهد که اصل منظومه به صورت شعر شفاهی سینه به سینه نقل می‌شده، و در روزگار ساسانی مکتوب شده است (تاوادیا، ۱۸۸؛ قس: آرانسکی، ۱۷۱، که انعکاس زندگی مردم را علت این مسئله ذکر می‌کند). اینکه برخی واژگان این منظومه مانند «تبنکو» (افتنگو) به معنی «دوادان» و «بشن» به معنی «تمام اندام» و «نال» به معنی «نعل» هنوز در زبان محاورهٔ مردم سیستان و بلوچستان و حاشیهٔ کویر رواج دارد (روح‌الامینی، ۳۲۴، ۳۳۵، حاشیهٔ ۱۴)، نشان دیگری بر عامیانه بودن متن نخستین آن است. برخی از پژوهشگران با نظر به تفاخر درخت به توجه شاه، منظومه را درباری و نوشته‌شده برای شاه می‌دانند (پورجوادی، ۸۰).

سرایندهٔ منظومه ناشناخته است و دربارهٔ تاریخ سرایش و خاستگاهِ دعویهای مطرح‌شده در آن، میان محققان نظر یکسانی وجود ندارد. در بند ۴۱ منظومه (درخت، ۶۷) از زبان بز از رستم و اسفندیار یاد شده است، اما با توجه به ابهام در تعیین شخصیت تاریخی رستم، این مسئله در تعیین تاریخ سرایش آن کمکی نمی‌کند (سرکاراتی، ۵۶)؛ هرچند که از کوششی هدفمند برای پیوند روایت‌های عامیانه با روایت‌های ملی و سازگار کردن آگاهیهای دینی با رویدادهای تاریخی خبر می‌دهد (تاوادیا، ۱۸۹).

اصل ماجرا یادآورِ مناظرهٔ «میش و گندم» در ادبیات سومری است (پورجوادی، ۷۹) و ساختار آن به مناظره‌هایی می‌ماند که در ادبیات بین‌النهرینی نیز دیده می‌شود (آسموسن، 54-53 برخی از محققان با مقایسهٔ منظومه با برخی نوشته‌های اکدی، سرایش آن را در روزگار پیش از عهد اشکانی دانسته‌اند و از بز به عنوان نمایندهٔ دین زردشت و از درختِ آسوری در مقام درختی خشک و مصنوعی که با زیور و برگهای ساختگی آراسته شده و در مراسم دینی آسوریان به کار می‌رفته است، به عنوان نمایندهٔ دین آسور با ایزدان و ارباب انواع گوناگون یاد کرده‌اند و بی‌پروایی و خشن بودن بز در مناظره را سبب برتری اجتماعی مزدایرستان شمرده‌اند (اسمیث، 69-76 هم‌چنین، آن را به عنوان نماد جدال منطقه‌ای بین آسوریان با نمایندگی درخت خرما، و خراسانیان با نمایندگی بز در نظر گرفته‌اند (آبادانی، 22) برخی

نیز با توجه به درون‌مایهٔ اثر، آن را معارضهٔ میان دو شیوهٔ زندگی مبتنی بر کشاورزی و دامداری (روح‌الامینی، ۳۲۵) یا شهرنشینی و شبانی و روستایی (باستانی، ۳۸۹) دانسته‌اند.

در درخت *آسوریگ*، از فراورده‌های مختلف دامی و گیاهی متداول در روزگار سرایش آن یاد شده است. مهم‌ترین خوراکیهای مطرح‌شده در این اثر، افزون بر خرما عبارت‌اند از: جو، انگور، گوشتِ قطعه‌قطعه‌شده و پخته، شیر، پنیر، ماست، حلوا، روغن، دوغ، کشک (روح‌الامینی، ۳۲۶) و بز درستهٔ بریان‌شده (نک: پورریاحی، ۳۶۵-۳۶۸). پوشاکهای متداول که از آنها یاد شده نیز عبارت بوده است از: موزه برای برزگران، کفش برای برهنه‌پایان، کمر، بارجامه، انگشتان (= دستکشِ درو)، پیش‌بند، پارچه‌های پشمی و کرکی، و خز تخاری (روح‌الامینی، همانجا). در منظومه از وسایل سفر و جنگ‌افزار نیز نام برده شده است: زین، زین‌افزار، دوال، فلاخن، کمان، کمند، و تخته کشتی و دکل آن. از ابزارهای زندگی روزمره چون جاروب، دسته‌هاون، رسن، میخ، هیمه، سفره، انبان، مشک، دفتر و پیمان‌نامه هم یاد شده است (همو، ۳۲۷-۳۲۶). در این اثر از سازها به نامهای چنگ، بربط، نی، کنار و تمبور، و از عطرها به کافور و مشک سیاه برمی‌خوریم (همو، ۳۲۷). همچنین درمی‌یابیم که در آن روزگار، بهای بز ۱۰ درم، و بهای خرما دو پشیز بوده است (درخت، ۷۷).

دربارهٔ طبقات و قشرهای اجتماعی، درخت از شاه، برزگران، آزادمردان، پزشکان و تهی‌دستان، و بز از شاه، همالان او، شهردار، خسروان، دهیوبدان، بازرگانان، کنیزان، آزادگان و کوه‌داران یاد کرده است. برخی ذکر دقیق این طبقات و قشرها را نشانهٔ سازمان‌بندی دقیق جامعه، و از افزوده‌های روزگار ساسانی دانسته‌اند، همچنان‌که اشیاء تجملی یادشده در متن، دلیل دیگری بر این مدعا ست (روح‌الامینی، ۳۲۷، ۳۳۰).

درخت *آسوریگ* از همان روزگار سرایش خود مورد توجه بوده است، چنان‌که اکنون کاربرد برخی عبارتهای آن را در ادبیات فارسی و جز آن می‌توان دید؛ از آن جمله است: عبارت «مروارید پیشِ خوک افشاندن» که در *انجیل متی* (۷: ۶) و در آیهٔ ۹۳/ *انجیل گنوسی توماس* (آیهٔ ۹۳) آمده است (نک: ویدن‌گرن، 36، حاشیهٔ 121؛ سرکاراتی، ۵۱، ۵۷-۵۹، ۶۱-۶۰، حاشیهٔ ۲۲) و نیز در بیت مشهور ناصر خسرو: «من آنم که در پای خوکان نریزم/ مر این قیمتی در لفظ دری را» (ص ۱۴۳، بیت ۳۲) و در این بیت منظومهٔ *ویس و رامین*: «چو بشنید این سخن و پرو ز خواهر/ دگر بر خوک نفشاند ایچ گوهر» (فخرالدین، ۱۷۳، بیت ۹۴).

درخت *آسوریگ* را از نظر ساختار و روش مناظره، می‌توان پیشگام نمونه‌های سرگرم‌کننده و هنری ادب فارسی در روزگار اسلامی دانست (نک: پورجوادی، ۸۳). البته در این مناظره، برخلاف بسیاری از

مناظره‌های ادب فارسی، به هریک از دو طرف فقط یک بار فرصت سخن گفتن داده شده است. همچنین، برخلاف این‌گونه مناظرات، در اینجا داور خودِ شاعر است و نه شخصیتی دیگر (همو، ۸۲). با این حال، از نظر افتخار به دین، به مناظرات ادبی روزگار اسلامی شباهت دارد؛ همچنان که افتخار کردن به کاربردِ فراورده‌های یکی از طرفین در مناسک دینی در این منظومه به افتخار طرفین مناظرات ادبی فارسی مانند *مناظره گل و مل* به چنین اموری می‌ماند (همو، ۸۱؛ نیز نک: زنگی، ۵۴).

ترجمه فارسی بخشی از *درخت آسوریگ* را نخستین بار محمدتقی بهار در ۱۳۳۷ ش منتشر کرد و در ۱۳۴۵ ش فرهاد آبادانی در *نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان* (شم ۳-۲)، و در ۱۳۴۶ ش یحیی ماهیارنوبی با فهرست واژه‌ها و یادداشتهای، و در ۱۳۷۱ ش سعید عریان در *متون پهلوی* (ص ۱۴۶-۱۵۱)، هریک ترجمه دیگری از کل متن ارائه کردند.

منظومه‌ای شبیه به *درخت آسوریگ* و با نام *رز و میش* (هم) به زبان فارسی وجود دارد. از این منظومه دو تحریر در دست است: تحریری که آسموسن به همراه بحثی درباره ارتباط این مناظره با *درخت آسوریگ* منتشر کرده است (نک: ص 37-41, 51-59؛ دیگر تحریری که نخستین بار ابراهیم قیصری آن را با *درخت آسوریگ* مقایسه، و در سخن (ص ۷۸۰-۷۷۳) منتشر کرد و تاکنون چند روایت متفاوت از آن معرفی شده است.